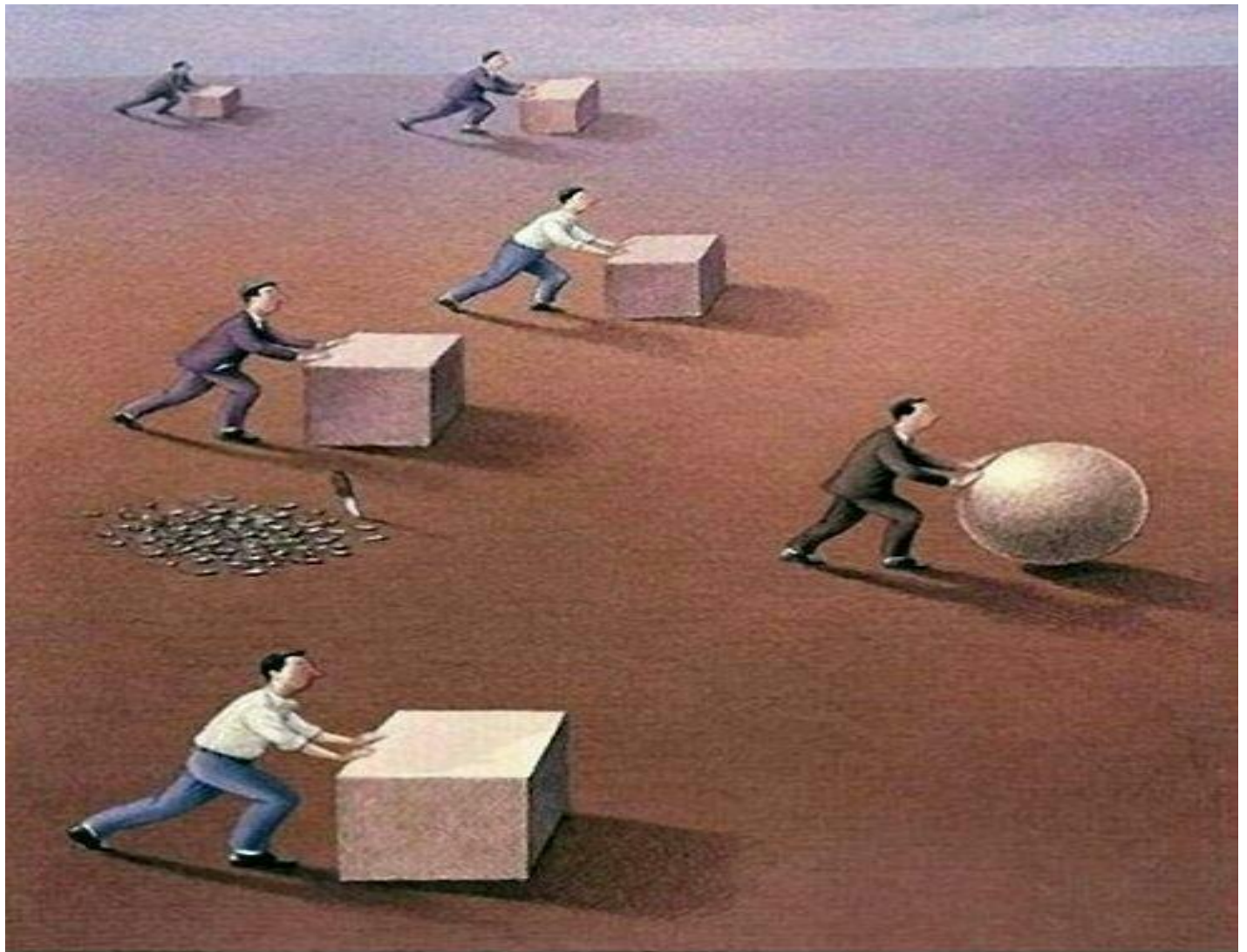


مسابقه خلاقیت



**Don't Work Hard.
Work Intelligent.**

🕊️ ❤️ 🕊️ محمد نظری کندشمن 🕊️ ❤️ 🕊️



بنام خالق اندیشه و اندیشیدن

با سلام و سپاس از دوستان عزیزم



✌️ ❤️ ✌️ خداوندا به هر سو نظاره می کنم آیات و نشانه های تو را می بینم، خلاقیت بی همتای تو را می بینم که بی انتها در این جهان هستی گسترش یافته است که عمر و توان علمی و عملی تاریخ بشر را کفاف آن نیست که بتواند از رمز و راز این خلقت بی بدیل هستی، سر در بیاورد و خالق بودن ترا شایسته باشد و ما را نیز بندگی و ما آدمی با اینکه موجودی ناسپاس هستیم و ما هنوز برای تو نه شاکر نظری خوبی هستیم و نه شاکر عملی خوب. اما ما هنوز به امید رحیم و رحمانیت تو نفس می کشیم و امید آن داریم که ما را در پناه رحمت خود همچنان نگه دارید.

✌️ ❤️ ✌️ خدایا تو هر چه خلق کرده ای، بی نظیر است و که از هیچ الگو و نمونه ای استفاده نشده است و این عکس خلاقیت ما انسان ها است که همیشه در شکوفایی خلاقیت خودمان یا از کتاب بزرگ خلقت و آفرینش جهان هستی ات کمک می گیریم یا از نمونه های انسانی ما قبل خودمان.



✌️ ❤️ ✌️ خدایا تو انسان را از بس دوست داشتی که از خود برای انسان مایه گذاشتی و از روح و روان خود بر ما دمیدی و **قدرت خلاقیت و تفکر ما آدمی نیز هدیه و ودیعه ای از سوی توست** وگرنه ما آدمی هیچ چیزی از خودمان نداشتیم و نداریم و ما نیز یکی از خلاقیت های تو هستیم که ما را نیز بسی ارج نهادی و ما آدمی را لایق اشرف مخلوقات دانستی و امیدوارم در عمل نیز ما آدمی این لیاقت را تامین و حفظ کنیم، بی شک قدرت خلاقیتی که بر انسان ارزانی داشتی، بی ارتباط یا بی تاثیر در این لقب خدادادی نیست. آری وقتی در طبیعت سیر می کنیم و به کوه و دشت و صحرا و دریا و هزاران پدیده های طبیعت را می بینیم، مگر می شود به وجود **خالق خلّاقی** ایمان نیاوریم که چنین **هستی سنجیده و حساب شده** ای را با قدرت خلاقیت خود به وجود آورده است، حتی ما آدمی مگر می تواند بدون خالق باشد؟

✌️ ❤️ ✌️ ای محمد، خداوند تو را موجودی خلاق آفرید و حال وظیفه و رسالت زندگی توست که از این استعداد و توانایی خدادادی ات استفاده کنی. **حقاً که وقتی استعدادها و توانایی های خدادادی خودمان را کشف نکنیم و در بهترین مسیر به کار نگیریم، بی شک ناسپاسی کردن به خالقِ خلّاق است.**

✌️ ❤️ ✌️ ای محمد. خداوند به تو قدرت اندیشیدن را داد تا آنجا که دیدی با مسایل جدیدی روبرو شدی، باز از این شاه کلید برای حل مسایل کمک بگیری و به اندیشیدن روی آوری.

✌️ ❤️ ✌️ **ای محمد، خداوند تو را برای شدن آفریده است. نه برای بودن،** وگرنه چه لزومی بود نعمت بی بدیل خلاقیت و اندیشیدن را بر تو ارزانی می داشت، بی



شک فلسفه وجودی خلاقیت در تو بی معنی نیست و چه بسا خلاقیت سرمایه ای برای تو تا بتوانی زندگی قابل تاییدی را برای خود خلق کنی و سالهاست تو به این مسیر خلاقانه زندگی خود می اندیشی و همه فکر و عمل خود را بسیج کرده ای تا با خلاقیت منحصر به فرد خود، **الهه موفقیت** را به کلبه آرزوهایت دعوت کنی و طعم کامیابی در وجودت جاری سازی.

🌸 ❤️ 🌸 ای محمد هیچ وقت، وقت توقف کردن و تسلیم شدن نیست و راهی را که تو برگزیده ای تا آخر باید ادامه بدهی و در این راه خداوند با نعمت خلاقیتی که در وجودت به ودیعه نهاده است، تو را تا آخر هادی و حامی خواهد، پس **ذهن و قلب خود را آرام ساز و خلاقیت فکری و استمرار و اصرارت در عمل را در پیش بگیر که طلوع خورشید ظفر نزدیک است.**

🌸 ❤️ 🌸 **ای محمد، جهان، جهان خلاقیت هاست** و بی شک تو را هم در **کتاب خلاقیت آفرینش**، سهمی وجود دارد و آگاه باش که تو برای زندگی معمولی و عادی (زندگی مادی در سطح حیوانی و...) به جهان نیامده ای، چرا که خداوند به تو استعداد های یک زندگی فراعادی داده است، خداوند به تو قدرت خلاقیت و اندیشیدن داده است و این چیز عادی و معمولی نیست، پس ارزش و جایگاه این نعمت های فراعادی خداوند را حفظ کن و شاکر باش و چه شکری می تواند شایسته باشد در ازای این نعمت های خداوندی، به جز اینکه از آنها بهترین و بیشترین استفاده را بکنی.

❤️ محمد نظری کندشمن ❤️



🕊️ ❤️ 🕊️ موفقیت هر چند نیازمند سخت‌کوشی است اما به این معنی نیست که با کار سخت خودمان را خسته و فرسوده کنیم وقتی می‌توانیم هوشمندانه کار کنیم و نه تنها از سختی کار خودمان بکاهیم بلکه می‌توانیم بیشتر از سخت‌کوشی ناسنجیده هم، راندمان و بهره‌وری تلاشمان را افزایش دهیم. هوشمندانه کار کنیم یعنی صرفاً نبایستی به کار دستی بپردازیم و از فواید و نقش مثبت تفکر و بینش و خلاقیت خودمان بهره‌ای نگیریم و تلاش و کار خودمان را تنها محدود به کار فیزیکی کنیم. وقتی هوشمندانه و آگاهانه کار می‌کنیم در واقع ممکن است حجم کاری خودمان را کاهش بدهیم در حالی که کارایی بیشتری را از خودمان نشان دهیم یا که گاه مسیر رسیدن به موفقیت را کوتاه کنیم و لازم نباشد مسافت اضافه‌ای را به مسیر حرکت خودمان در جهت موفقیت افزایش بدهیم.

🕊️ ❤️ 🕊️ تصویر گویای خلاقیت است و چنین به نظر می‌رسد **خلاقیت نه تنها مسیر موفقیت را کوتاه می‌کند، بلکه هم مسیر موفقیت را هموار می‌کند** و هم بر راحتی حرکت **جوینده موفقیت** کمک می‌کند و این چنین بر سرعت حرکت راننده **ماشین موفقیت** می‌افزاید. بی‌شک خلاقیت نمی‌تواند بی‌ارتباط به ذهن و قدرت تفکر و اندیشیدن ما باشد، چرا که تنها در سایه خلق و آفریدن اندیشه‌های نو و بهتر و برتر است که امکان این را به وجود می‌آورد که فرد خلاق بتواند از دیگران پیشی بگیرد و زودتر از دیگران به دیدار الهه موفقیت نایل آید. وقتی ما نتوانیم از قدرت خلاقیت خودمان استفاده کنیم. آن‌گاه ناخواسته به بکارگیری راه و روش‌های قبلی و قدیمی خودمان باز می‌گردیم و این چنین شانس رقابت و پیروزی و موفقیت خودمان را از دست می‌دهیم.



🕊️ ❤️ 🕊️ زندگی عرصه رقابت است و همه در این رقابت، آرزومند و خواهان رسیدن به موفقیت و پیروزی و تعالی هستند. برای اینکه در رقابت با رقیبان خودمان بتوانیم، سریعتر حرکت کنیم و زودتر از بقیه به خط پایان **مسابقه موفقیت آفرینی** خودمان برسیم، لازم است تا مجهز به ابزارهایی باشیم که این ابزارها را بطور کلی می توان به ابزارهای فکری و ابزارهای عملی تقسیم کرد، که از **ابزارهای فکری** خودمان در رقابت با **رقیبان فکری** خودمان و از **ابزارهای عملی** خودمان در رقابت با **رقیبان عملی** خودمان استفاده کنیم (توجه داشته باشیم که چه ابزارهای فکری و ابزارهای عملی و یا رقیبان فکری و رقیبان عملی بطور جداگانه یا مستقل وجود ندارد، بلکه صرفاً جهت بررسی جداگانه تقسیم می شود، وگرنه وقتی کسی که رقیب ما می شود هم رقیب فکری ماست و هم رقیب عملی ما، و ما نیز برای مقابله از هر دو ابزارهای فکری و عملی استفاده می کنیم و...). **از ابزارهای فکری** که می توانیم استفاده کنیم با توجه به تصویر، **ابزار خلاقیت** است و **از ابزارهای عملی** هم می توان به **سخت کوشی** اشاره کرد. منبع اصلی خلاقیت، همانا ذهن و قدرت تفکر یا اندیشیدن ماست، حتی **خلاقیت های عملی** ما نیز محصولی از **خلاقیت های فکری** ماست، چرا که بدون **سرمایه فکری**، امکان پی ریزی و فونداسیون عمل به وجود نمی آید، درواقع **عمل و رفتار، نوزاد و زاییده، ملکه مادر یعنی ذهن ماست.** یعنی وقتی فکری نیست، عملی هم نیست و اگر عملی هم باشد حتی اگر ما بن مایه فکری آن عمل آگاه هم نباشیم، باز نمی تواند هسته فکری آن عمل را نفی یا انکار کند، درواقع ندانستن ما نفی بودن چیزی نیست به ویژه اگر **نقشه فکری** یک عمل باشد.



🌸 ❤️ 🌸 جهان هستی با تمام عناصر و اجزا و موجودات زنده و غیرزنده خود، مخلوق خداوند و خالقِ خَلْقِ هستند و در این بین **تنها موجودی که می توان گفت مخلوقِ خَلْقِ است، همانا انسان است** و تنها مخلوقی هم که توانسته است چهره کره زمین و فضا را در طول زمان تغییر دهد و دگرگون سازد. همانا انسان است و در انسان نیز تنها چیز و استعدادی که توانسته است به انسان کمک کند تا خود و همه چیز دیگر را تغییر دهد و چهره دیگری به زمین ببخشد و روز به روز به قافله دستاوردهای تاریخ بشریت اضافه کند. همانا ذهن و قدرت خلاقیت یا اندیشیدن است و **انسان تنها مخلوق اندیشمندی**

است که بر تمامی موجودات غیر اندیشمند حکمرانی می کند و این یعنی

اشرف مخلوقات بودن انسان، که تنها در سایه قدرت اندیشیدن انسان حاصل می شود. آری اندیشیدن یعنی خلق کردن، آفریدن (انسان می تواند با اندیشیدن خلق کند و خلاقیت خود را نشان دهد بدون اینکه کاری به این داشته باشیم که خلاقیت های انسان، منفی است یا مثبت، که این هم بحث و مقوله دیگری را می طلبد و...). در واقع فکر منفی یا فکر مثبت، محصول خلاقیت ذهن ما یعنی اندیشیدن است و وقتی ماهیت و کارکرد اندیشیدن ما منفی باشد، فکر منفی خلق می شود و وقتی ماهیت و کارکرد اندیشیدن ما مثبت باشد، فکر مثبت خلق می شود، ولی نکته مهم این است که به نظر می رسد، **فکر منفی و فکر مثبت کاملا مستقل و جدا از هم نیستند** بلکه به نوعی با هم در ارتباط هستند، انگار که لامپ ذهن ما یا اندیشیدن ما، نمی تواند بدون همراهی همزمان **سیم فکری منفی نول** و **سیم فکری مثبت فاز** ما، روشن شود، شاید چنین گفت همان طور که فکر مثبت می تواند برای ذهن لازم باشد، فکر منفی هم لازم است، تا امکان تحریک ذهنی وجود داشته باشد و از ذهن حالت رکود و یکنواختی به دور باشد،



همان گونه که انسان ها تحمل همیشه شاد بودن را ندارند و باید حتماً مواقعی باشند که انسان را اندوهگین و محزون سازند، تا آدمی باردیگر به حرکت چرخشی زندگی خود ادامه بدهد. و **تعادل ذهنی** و **تعادل زندگی** خود را تامین و حفظ کند.

🕊️ ❤️ 🕊️ وقتی به تصویر نگاه می کنم به یاد سوال همیشگی خودم می افتم که آیا می توان به جای اینکه لاستیک ماشین ها، دایره ای شکل باشد، مثلاً به شکل مربع و مثلث و لوزی و... ذوزنقه و... باشد؟! وقتی از نظر منطق ریاضی به این سوال فکر کنیم و جواب بدهیم، می بینیم چیزی غیرممکن است که به غیر از شکل دایره، اشکال دیگر بتواند کارایی داشته باشد و از آنها استفاده کرد (هر چند اشکال دیگر از نظر کاربرد در حال حاضر غیرممکن به نظر می رسد ولی به این معنی نیست که نمی توان به هیچ یک شکل دیگر، لاستیک ماشین درست کرد، درواقع به هر شکلی می توان درست کرد ولی با ماشین های نسل امروزی، امکان حرکت پیدا نمی کنند). به نظر می رسد شکل دایره، بهترین شکل برای چرخش و گردش است، برای همین است که تمامی کرات. سیارات و ستارگان و... همگی به شکل دایره یا درست تر بیضی شکل هستند، چرا که تنها در این شکل امکان حرکت وجود دارند و حتی ما آدمی نیز این منطق را در دستاوردهای خودمان نیز به کار می گیریم و هر چیزی که نیازمند حرکت دورانی باشد، شکل دایره و بیضی را به کار می بریم. اشکال دیگر هم امکان حرکت دارند ولی آنجا که شکل دایره و کروی می تواند حرف اول را بزند، دیگر نمی توان اشکال دیگر را به کار برد، چرا که حتی این بکار بستن نیز، ارادی و اختیاری نیست، یعنی صرفاً دلخواه آدمی نیست، بلکه ساختار و کارکرد دایره ای شکل ایجاب می کند که باشد. چون اشکال دیگر به هیچ وجه نمی توانند جایگزین شکل دایره شوند، با این وجود اهمیت متفاوت داشتن شکل دایره،



به معنی نفی تاثیر و نیازمندی ما به اشکال دیگر نیست، چرا که گاه در جاهایی نیاز پیدا می شود که شکل دایره نمی تواند بهترین و مفیدترین نقش را ایفا کند، درواقع مثل هر موضوع و مقوله دیگر. نباید **مطلق اندیشی** کرد و شکل دایره را شکل برتر دانست، چرا که بسته به شرایط و موقعیت، هر شکلی یا هر چیزی یا حتی هر، موجودی و انسانی می تواند در جایگاه و نقش بهتر و برتری قرار بگیرد و علت کلی این همانا منحصر به فرد بودن همه چیز در این دنیا است، مثلاً جایی که یک کیلو آهن می تواند بهترین کارکرد را داشته باشد، هزار کیلو طلا هم نمی تواند آن نقش را به خوبی ایفا کند وقتی به این موضوع دقیق تر فکر می کنیم می بینم واقعاً هر انسانی در این دنیا انسانی منحصر به فرد است که می تواند در جایگاه خودش، خوش بدرخشد بدون اینکه درخشش دیگران را کمرنگ کند یا مانع درخشش دیگران شود، مثل همه این ستارگانی که می درخشند و هیچ کدام نیز از درخشش دیگری جلوگیری نمی کند.

🕊️ ❤️ 🕊️ **اندیشیدن، ذهن انسان را تیز و آدمی را باهوش می سازد، چرا که وقتی ما فکر می کنیم، درواقع در حال یادگیری هستیم، حتی اگر تمامی آنچه از راه اندیشیدن، یاد می گیریم باز مورد تایید قرار نگیرد، در این نباید شک کنیم که یک فرد اندیشمند از یک فرد غیراندیشمند کمتر می داند. محال است انسانی فکر کند و رنج اندیشیدن را تحمل کند ولی هیچ سود و نتیجه ای برای آن عاید نشود. بی خودی نیست که آدمی را این قدر به اندیشیدن دعوت می کنند چرا که اگر کاری آسان و لذت بخش بود دیگر لزومی نبود انسان را برای اندیشیدن فراخوانی کرد (البته اینکه آسان و لذت بخش نیست، صرفاً برای کسانی شامل می شود که اهل اندیشیدن نیستند و به طعم و لذت اندیشیدن واقف نشده اند، برای آسان و لذت بخش کردن اندیشیدن، زمان و تلاش می**



طلبد وگرنه هیچ وقت اندیشیدن بطور خودکار آسان و لذت بخش نمی شود، آری وقتی در اندیشیدن مهارت و توانایی یافتیم به قول معروف یکی از بزرگان **"اندیشه های یک اندیشمند خود به خود می اندیشد"** آری وقتی ذهن را با اندیشیدن داغ کردیم آن گاه باید منتظر **جُنبدن ذهن و رقص اندیشه ها** باشیم و این چنین مسیری باز می شود تا اندیشه های خلاق و توانا نیز متولد شوند و به منصفه ظهور برسند. درواقع هر چند اندیشیدن، خلق کردن است ولی وقتی نخواهیم و نتوانیم بیانیشیم چگونه می توانیم به دست آفرینش بزنییم و خلاقیت خودمان را آشکار سازیم؟

🕊️ ❤️ 🕊️ **خلاقیت امری ذاتی نیست هر چند زمینه آن هم ذاتی باشد ولی رشد و شکوفایی آن اکتسابی است**، مثل همین اندیشیدن، همه بالقوه استعداد برای اندیشیدن دارند ولی آیا همه بطور یکسان بر این کار قادر می شوند و استفاده می کنند. گاه وقتی به حدیث گرانقدر حضرت محمد (ص) فکر می کنم که فرموده اند **"یک ساعت تفکر بالاتر از هفتاد سال عبادت است"** از این سخن واله و مبهوت می شوم و مرا چنان به فکر فرو می برد که دوست دارم هفتاد سال به تفکر پردازم تا بتوانم به آن یک ساعت **تفکر والا** برسم. گاه با خود می گویم این فرموده پیامبر نه تنها ارزشمندی تفکر را تاکید و تایید می کند بلکه به نوعی به کاری سخت بودن تفکر هم اشاره می کند چرا که یک ساعت در مقایسه با هفتاد سال (حدود ۶۰۰ هزار ساعت) ناچیز به نظر می رسد ولی آن قدر اهمیت دارد که ارزش آن یک ساعت فراتر از هفتاد سال باشد. علاوه بر این یک ساعت تفکر نه به این معنی می تواند باشد که درباره هر چیزی فکر کنیم، مورد تایید می شود، بلاشک این یک ساعت تفکر باید آن گونه ای کیفیتی داشته باشد که بتواند با هفتاد سال برابری کند، شاید گفت یک ساعت تفکر باید آن چنان آدمی را به تغییر و



تحول بکشاند که بتواند آدمی را برای هفتاد سال **در مسیر تحوّل خداپسندانه** هدایت کند. علاوه بر این به نظر می‌رسد اهمیت و کار تفکر والاتر از عبادت است و حتی می

توان گفت **تفکر خودش نیز عبادت است و عبادت حقیقی با تفکر شروع می‌شود**

و ادامه می‌یابد، برای همین است که وقتی ما یک ساعت به خدا و جهان هستی او با کلیتش بیاندیشیم، درواقع در حال ستایش و پرستش خدا هستیم چرا که ما با این کار به قدرت بی‌همتای خداوند پی می‌بریم که خداوند ما در همه چیز یگانه است حتی در

مقام خلاقیت و خلق کردن و به نظرم **اولین اندیشمند، خداوند است چرا که**

خداوند با اندیشیدن خود جهان را خلق کرد و مخلوقات بی‌شمار خود را به عرصه

هستی ارزانی داشت و از آنجا که انسان نیز از روح خداوندی برخوردار است، این یعنی انسان نیز در حد توان خود، موجودی خلاق است و می‌تواند خلاقیت خود را در تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی زندگی به نمایش بگذارد.

🌱 ❤️ 🌱 **خلاقیت محصول اندیشیدن نظری با اندیشیدن عملی (کاربردی) است.** و

هیچ نابغه بودن یا بهره‌هوشی بالا بودن کسی، تضمینی برای شکوفایی خلاقیت فرد باهوش و نابغه نیست. حتی یک فرد نابغه نیز با وجود نبوغی که در خود سراغ دارد باز نیازمند، اندیشیدن، کار عملی و... است وگرنه نبوغ خام بطور خودکار به نتیجه درخشانی منجر نمی‌شود درواقع فرد نابغه بدون سخت‌کوشی و تلاش عملی، نمی‌تواند نبوغ خود را به نمایش بگذارد، درواقع فرد نابغه باید از خود محصول فکری و محصول عملی نشان دهد تا نابغه بودن آن به چشم آید و نبوغش محرز گردد، مثلاً ما وقتی ادعا کنیم یک زمین کشاورزی مرغوب داریم، ولی وقتی این زمین زراعی را بکار نگیریم و استفاده نکنیم و محصولات عالی آن را به دست نیاوریم، آن‌گاه چگونه می‌توانیم باور



کنیم و مطمئن باشیم که زمین مرغوب و با کیفیتی بود، چه بسا دچار شک و تردید هم شویم که اصلاً از اول هم مرغوب نبوده است. آری یک فرد نابغه تا وقتی نبوغ خود را تحت اشکال مختلف نتواند به منصفه ظهور برساند، باید به نابغه بودن فرد شک کرد و حتی به اعتبار روایی آن ابزاری که برای سنجش نبوغ فرد بکار رفته است، به دیده شک نگریست.

🕊️ ❤️ 🕊️ آری تا وقتی خلق چیزی محرز نشود، هستی آن مورد تایید قرار نمی گیرد ما هیچ وقت نمی توانیم به چیزی که نیست، آن را جزو هست ها فرض کنیم. آری خلاق بودن صرفاً با ادعای توخالی و تهی نیست، بلکه باید بتوانیم **ادعای نظری** خودمان را به **ادعای عملی** تبدیل کنیم، آن گاه است که دیگر نمی توان هستی چیزی که وجود پیدا کرده است، نفی یا انکار کرد.

🕊️ ❤️ 🕊️ **خلاقیت یعنی اندیشیدن و اندیشیدن یعنی کشف و خلق افکار و اندیشه هایی** که می توانند به عنوان ابزار یا راه حل مسایل به کار گرفته شوند. در واقع راه حل خیلی مسایل تنها با استفاده از خلاقیت ممکن می شوند. اندیشیدن یا خلاقیت فکری باعث تولید افکار گوناگون و متفاوتی می شود و با این **تنوع فکری** برای مسایل می توان راه حل های بیشتر از یک گزینه ثابت و تکراری به وجود آورد. البته هر تفکری نمی تواند راه حل مسایل را پیدا کند بلکه بایستی **تفکری خلاق و ذهنی نقاد** داشته باشیم و گرنه مثلاً تفکر احساسی و عاطفی نمی تواند برای مسایل منطقی، راه حل های منطقی پیدا کنند. چرا **تفکر عاطفی** بیشتر برای تسکین بخشی به خودمان است تا رنج ها و مشکلاتی که در زندگی داریم، آنها را قادر به تحمل باشیم نه اینکه آنها را حل و برطرف کرده باشیم.



🕊️ ❤️ 🕊️ در جهان دیروز و امروز و در جهان آینده، آنچه پیشرفت و ترقی جوامع را رقم زده است و خواهد زد، **خلاقیت است**. وگرنه کشوری که هنوز دارد برای مسایل ملی و زمینه های کلان اجتماعی از راه و روش های سنتی و تکراری و کلیشه ای استفاده کنند، هیچ وقت نخواهند توانست خودشان را با **قافله سالار موفقیت** و پیشرفت ملی و بین المللی همگام سازند و ناخواسته در رکود و عقب ماندگی خودشان تثبیت خواهند شد.

🕊️ ❤️ 🕊️ یکی از دشمنان سرسخت **تفکر خلاق**، **تفکر کلیشه ای یا مکانیکی و سنتی**، **تثبیت شده**، **عادت وار و... است**، چرا که تفکر خلاق، مشتاق تغییر و گوناگونی و دگرذیسی است و این نوع تفکر در تضاد و مقابله با تفکر کلیشه ای است. تفکر کلیشه ای فقط به راه حل های ثابت، شناخته شده و تکراری ختم می شود و در کل تک گزینه ای اندیشیدن است، در حالی که تفکر خلاق برای حل مسایل، هیچ وقت به یک راه حل قانع نمی شود و برای پیدا کردن گزینه های بهتر و بیشتر برای حل مسایل، آرام و قرار نمی شناسد.

🕊️ ❤️ 🕊️ مثلاً می توان چهار چرخ کوچک زیر جعبه مربعی شکل تعبیه کرد و آن را به حرکت در آورد، مثل همه چمدان هایی که دارای چرخ هستند و با آن سنگینی امکان حرکت پیدا می کنند. و این تنها یک روش برای این مساله است و روش های دیگری هم وجود دارد که اگر به اندیشیدن و تمرکز ذهنی خودمان ادامه بدهیم، آن گزینه های حل مسایل نیز هویدا و پدیدار می شوند. یا روش دیگر این است که می توان زیر جعبه مربعی شکل، تعدادی چوب یا لوله استوانه ای شکل قرار داد و با غلط خوردن چوب ها، جعبه هم بر روی آن حرکت کند.



🕊️ ❤️ 🕊️ در تصویر چنین برداشت می شود که امکان حرکت برای جعبه بزرگ مربع شکل وجود ندارد و فرد خلاق، توانسته است با خلاقیتی که از خود نشان داده است آن را به گوی دایره ای شکل تغییر دهد و تبدیل کند و امکان حرکت را به وجود آورد. ولی نکته یا سوال مهم این است که آیا به غیر از این روش (تغییر مربع به دایره) ، روش دیگری برای حمل و جابجایی جعبه مربعی شکل بدون اینکه به گوی دایره ای تبدیل شود، وجود ندارد؟ در این شکی نیست که اگر هر کس به خود زحمت دهد و برای اندیشیدن همت کند، راه حل های دیگری را برای این سوال یا مساله خلق کند. به ویژه وقتی هدف این باشد که نبایستی شکل مربع را تغییر داد.

🕊️ ❤️ 🕊️ البته از خلاقیت می توان در دو شکل متفاوت استفاده، **خلاقیت در قلمرو تعاریف**، که چنین خلاقیتی دارای محدوده و محدودیت خاص خود را دارد و **خلاقیت خارج از تعاریف** است که اینجا ذهن ما گزینه های بیشتری را برای حل مشکلات و مسائل پیدا کند چون محدود به محدوده تعاریف نیست و ذهن نیز دیگر خود را چارچوب و محدوده خاصی نمی بیند که بخواهد صرفاً در آن محدوده مشخص فعال شود و اندیشه زایی کند.

🕊️ ❤️ 🕊️ **آنچه بین سخت کوشی و کوشش هوشمندانه، مشترک است، کار و تلاش است.** به عبارت دیگر می توان گفت نه سخت کوشی ما از بهره گرفتن از عقل و هوش و بینش و اندیشیدن بی نیاز می کند و نه اینکه باهوش و نابغه بودن، فرد را تلاش و کوشش بی نیاز می کند، حتی یک فرد هوشمند، سخت کوش هم نباشد یعنی درصد بیشتر کارش هم دستی و یدی نباشد، باز به هیچ وجه فرد هوشمند نمی تواند از کار عملی خود را بی نیاز بداند. لذا به نظرم نبایستی با این خیال خام خودمان را بفریبیم که کاش فردی باهوش



بودیم آن گاه ما هم می توانستیم و کارهای بزرگی را انجام می دادیم، در حالی که این

نگرش اصلاً درست نیست و به نتایج دلخواه نیر ختم نمی شود. در واقع نبوغ و هوش سرمایه است و وقتی کسی از این سرمایه استفاده نکند، ممکن نیست فوایدی نیز به دست آورد. در واقع فرد هوشمند برای اینکه بتواند هوشمندی خود را نشان دهد و به نمایش بگذارد، ناچار است هوش خود را در اشکال عینی متجلی سازد و این هوشمندی می تواند در بعد کلی فکری یا عملی نمود یابد. به معنی دیگر چنین می توان گفت که هدف از هوشمندی این نیست که صرفاً فقط در حیطه ذهنی هوشمند باشد و از هوشمندی خودش در جهان بیرونی استفاده نکند و استعداد های خود را در قالب محصولات عینی نشان دهد. یعنی وقتی یک فرد هوشمند باشد ولی هوشش به نفع خودش و جامعه نخورد، دیگر بود و نبود این هوشمندی و استعداد بالا بی معنی بود و حتی فلسفه هوشمندی فرد زیر سوال می رود و آن گاه دیگر با فردی که هوش پایینی دارد، یکسان به نظر می رسد. نکته مهم و شگفت انگیزی که وجود دارد این است که شمار افرادی که بر حسب هوش بالای خودشان به موفقیت زندگی شان دست پیدا کنند، کمتر از کسانی است که با تلاش و پشتکار خودشان به خلق موفقیت زندگی شان نایل شده اند، معنی جمله فوق این است که **موفقیت، امری ارادی و آگاهانه است که**

تنها در سایه تلاش بی وقفه ممکن می شود، و وجود هوش بالا بدون تلاش و

پشتکار، هیچ تضمینی برای موفقیت فرد باهوش نیست.

🌸 ❤️ 🌸 هدف از گفتار فوق این نیست که هوش و نبوغ را بی اهمیت جلوه دهیم و نقش و تاثیر آنها را کمرنگ نشان دهیم، بلکه منظور کلی این است که **هوش خام** به تنهایی نمی تواند فرد را به موفقیت برساند ولی وقتی این هوش خام به کار گرفته شود، آن گاه



این **هوش شکفته** می تواند میوه های عالی را به ثمر برساند که فردی که صرفاً به سخت کوشی اکتفا کرده است و از هوش و اندیشه استفاده نمی برد، توانا تر دیده شود و با نتایج والاترین بدرخشد. البته وقتی آدمی اهل کار و تلاش باشد و از سخت کوشی هیچ هراسی هم نداشته باشد این سخت کوشی حتی می تواند عقل و هوش و تفکر ما را نیز تحریک کند و به کار گیرد، یعنی وقتی فردی وارد عرصه ای می شود هر گامی که به جلو بر می دارد به فوت و فن های تلاش خود بهتر واقف می شود و با کمک گرفتن از خلاقیت خود به روند کاری خود کمک می کند و با **نگرش و تلاشی مترقی** به پیش می رود. در واقع اینکه **پشتکار هم می تواند معجزه موفقیت را بیافریند**. بخاطر این است که تلاش و پشتکار نیز، ذهن و هوش فرد را تحریک می کند و با تلاش عملی فرد عجین می شود، در واقع پشتکار داشتن به فرد بینش می دهد و بینش جدید باعث می شود در تلاش خودمان خلاقیت نشان دهیم.

🌸 ❤️ 🌸 **خلاقیت، ذاتی نیست، یعنی اکتسابی است، یعنی قابل آموزش و یادگیری است** و این یعنی زمینه خلاقیت در همه انسان ها وجود دارد و می تواند به شکوفایی برسد. شاید عده ای باشند که تصور می کنند که افراد خلاق از جنس دیگری هستند و ما نمی توانیم مثل آنها باشیم، اولاً باید بدانیم افراد خلاق نیز مثل ما هستند و تنها خلاقیت خودشان را رشد و شکوفا ساخته اند در ثانی افراد خلاق، در همه چیز خلاق نیستند بلکه هر فرد خلاق نیز برای خود زمینه و استعدادی دارد، که آن بخش از وجود خلاقیت خود را پرورش داده اند و به حد والایی رسانده اند.

🌸 ❤️ 🌸 آموزش خلاقیت به این معنی نیست که برای تک تک مسایل، به افراد آموزش داده شود، بلکه آموزش خلاقیت یک چیز کلی است تا فرد به آن حد از مهارت در



خلاقیت برسد که نه تنها در مواجه شدن با مسایل آشنا بتواند، راه حل های بیشتر و بهتری را خلق کند، بلکه وقتی با مسایل جدید و ناآشنایی هم روبرو می شود، بتواند خلاقانه رفتار کند و راه حل های مختلف و جدیدی را خلق کند. و یکی از اهداف کلی خلاقیت این است که فرد را قادر سازد تا در شرایط سخت و جدید، بتواند یاری کند خود را با وضعیت جدید سازگار کند و باز بتواند به **حرکت سازنده** خود ادامه دهد. در واقع خلاقیت هم به سازگاری کلی ما کمک می کند و هم اینکه راه را برای پیشرفت و شکوفایی ما باز می کند و خلاقیت هر کس هنگامی می تواند تحریک شود و بکار گرفته شود و به شکوفایی برسد، که در مسیر هدف مشخصی قرار بگیرد، و گرنه وقتی بی هدف باشیم، چگونه می توانیم خلاقیت خودمان را در بی هدفی و بلا تکلیفی خودمان نشان دهیم. در واقع **موفقیت، میوه هدف گذاری است و خلاقیت باعث می شود تا مسیر موفقیت ما منحصر به فرد شود.** در واقع شانس بروز خلاقیت هر کس به تناسب اهدافی است که برای خود برگزیده است و در اصل این هدف، چیزی است که هر کس وقت بیشتر خود را در آن کار یا زمینه صرف می کند.

🌸 ❤️ 🌸 خلاقیت می تواند یک نگرش و بینش خاصی به همه چیز یا محیط باشد که ما را بر آن می دارد تا پردازش متفاوتی از محیط را داشته باشیم و به کار گیری های جدید تر و بهتری را از محیط به دست آوریم. در واقع وقتی کسی خلاقیتی را به وجود می آورد، در واقع با نگاه متفاوت و جدیدی که به محیط داشته است، توانسته است به چیزی حیات ببخشد که قبلا خیلی ها امکان آن گونه دیدن و پردازش محیط را به وجود نیاورده اند. برای همین است که اگر بخواهیم خلاقیتی را به وجود آوریم، ناگزیر هستیم **متفاوت فکر کنیم تا امکان متفاوت دیدن و متفاوت عمل کردن به وجود آید،** و گرنه



وقتی مثل سابق یا مثل افراد دیگر فکر و رفتار کنیم، آن گاه به علت نبود هیچ گونه تغییری، امکان خلق چیزی هم به وجود نمی آید. در واقع **علت کلی و اصیل خلاقیت و آفرینش، متفاوت فکر کردن است** و این متفاوت فکر کردن می تواند در تضاد با تفکراتی باشد که در زندگی بشری تا به حال نمود و جایگاهی نداشته باشد، خلاقیت همیشه برای به وجود آوردن تفاوت و تغییر است.

🙏❤️🙏 اگر رفتار یا عمل را زاییده و برآمده افکار بدانیم، آن گاه برای اینکه در محیط بتوانیم رفتارها و اعمال جدید و متفاوتی را به وجود آوریم که نسبت به رفتارهای قبلی خودمان، متکامل و متعالی و گستره کاربرد آن بیشتر باشد، این نتیجه و اقدام پیش می آید که برای این کار، چاره ای به جز اینکه به تفکر پردازیم و تفکر خلاق و نقاد را در خودمان راه اندازی کنیم، راهی دیگر وجود ندارد. چرا که اولاً خلق و مولود رفتار جدید به خلق افکار جدید نیازمند و وابسته است و به وجود آوردن افکار جدید در وهله اول به اندیشیدن و در مرحله بعدی به اندیشیدن خلاق بستگی دارد، یعنی در ابتدا بایستی قادر و صبور برای اندیشیدن باشیم تا که بتوانیم در مسیر خلاق و متفاوت اندیشیدن قرار بگیریم. علاوه بر این نه تنها تمایل به اندیشیدن، چیزی عنقریب و فی الفور نیست، یعنی چیزی نیست که تحت حاکمیت اراده لحظه ای ما باشد، یعنی هر لحظه اراده کنیم بطور مکانیکی قادر به اندیشیدن باشیم و نتوانیم از **اراده اندیشیدن** خودمان ممانعت کنیم، بلکه **متفاوت و خلاقانه اندیشیدن** هم به این راحتی در ذهن اتفاق نمی افتد، چرا که ذهن ما به محتوایی که از گذشته، برایش تحت عنوان ذهنیت شکل گرفته است، عادت کرده است و همه ما خواهیم نخواهیم به **اندیشیدن مکانیکی** مبتلا هستیم و این چیزی غیرارادی است، چرا که وقتی نخواهیم در روند و فرآیند و محتوای تفکر خودمان



تغییری به وجود آوریم، نمی توانیم به **تفکر پویا و دینامیکی** اقدام کنیم، چرا که ذهن ما همش تحت تاثیر گذشته خود است و مدام به آن سمت کشیده می شود، درواقع اگر نخواهیم و نتوانیم خودمان را هدایت کنیم که متفاوت فکر کنیم، به طور غیرارادی باز مثل سابق به تفکر خواهیم پرداخت و در این شرایط هم امکان بروز خلاقیت ما نیز میسر نمی شود. یعنی **وقتی تفکر ما برای خودمان آشنا به نظر برسد یعنی داریم باز تکراری می اندیشیم و اندیشیدن خود را تکراری می بینیم** که همش با یک رشته افکار آشنا برای سالهاست همراهی می کنیم، ولی وقتی بخواهیم. به خلاقیت فکری خودمان دست پیدا کنیم تا آن را به خلاقیت عملی تبدیل کنیم. بایستی طوری فکر کنیم که افکاری که در ذهن ما به وجود می آیند غریبه و ناآشنا به نظر برسند و معنای این حرف این است که ما واقعاً در حال تفکر بوده ایم، چون ما در ذهن خود شاهد افکاری شده ایم که برای اولین بار است که خودمان نیز متوجه چنین افکاری می شویم و این افکار ناآشنا شاید در وهله اول نتواند منجر به یک خلاقیت کامل شود ولی سرمایه و سرنخی می شود برای افکار همجنس و تکمیل کننده بعدی خودشان، تا بدنه یک خلاقیت قابل عرضه در آینده شکل بگیرد.

🌸 ❤️ 🌸 **آری خلاقیت یعنی ما در هر لحظه که به اطراف خودمان نگاه می کنیم، چیزهای تازه ای را ببینیم و کشف کنیم** که ممکن است سالها از وجود و حضور و درک آنها غافل بوده ایم، منظورم از این دیدن، صرفاً دیدن اشیاء یا چیزهای مادی اطراف خودمان یا در کل محیط نیست، بلکه این است با **پردازش ذهنی** جدیدی به اطراف خودمان نگاه کنیم تا همه آن چیزهایی که سالهاست در اطراف ما برای ما تکراری دیده می شده اند، متفاوت جلوه کنند. درواقع ما آدم ها از بس به تفکر و ذهن شکل



گرفته خودمان، عادت کرده ایم که نمی توانیم به نگرش و نگاه خودمان به اطراف شک کنیم که ممکن است اطراف خودمان را به اشکال دیگری ببینیم که تا به حال ندیده ایم یا امکان دیدن دیگری را برای خودمان به وجود آوریم. مثلاً از خودم می پرسم چرا قبل از کشف نیروی جاذبه زمین توسط نیوتن، دانشمندان یا افراد عادی دیگری قادر به این کشف نشده اند؟ آیا قبل از نیوتن، کس دیگری نبود که بتواند مثل نیوتن به محیط بنگرد و قادر به کشف نیروی جاذبه زمین شود؟ **آیا مگر قبل از نیوتن میوه های درخت به زمین نمی افتادند؟** چرا هیچ کسی حاضر نشد سوالی که نیوتن از خود پرسید را بپرسد؟ آیا. صرفاً نگاه متفاوت نیوتن به محیط بود که امکان کشف نیروی جاذبه زمین را به وجود آورد؟ جواب کلی که می توان گفت به سوال آخر داد این است کشف نیوتن به خاطر ترکیب نگاه متفاوت او به محیط با تفکر متفاوت او نسبت به محیط بود. درواقع افرادی که قبل از نیوتن یا حتی خود نیوتن قبل از کشفش، دارای نگاه و تفکر متفاوت از آن بوده است که بتواند ذهن را به سوی کشف نیروی جاذبه زمین هدایت کند. مثلاً وقتی چوپانی افتادن سیب از درخت را ببیند، اولین فکری که ممکن است به ذهنش خطور کند، خوردن آن سیب بوده باشد، درواقع چون در ذهن خود سیب را در خوردن می بیند با این تفکر است که افتادن سیب از درخت را فرصتی برای خوردن تلقی خواهد کرد تا اینکه بخواهد و بتواند به چراهای جواب پیدا کند که در ذهنش خطور کرده باشد (چون امکان خطورش هم نبوده است).

🙌 ❤️ 🙌 **سخت کار نکن یعنی هوشمندانه کار کن. معنی این حرف این است نسبت به کاری که انجام می دهیم آگاهی و شناخت و بینش داشته باشیم و صرفاً چشم بسته و کورکورانه و بدون هیچ گونه واکاوی به کار خود ادامه ندهیم. درواقع وقتی از خودمان**



انتظار داریم هوشمندانه کار کنیم یعنی نسبت به کاری که انجام می دهیم، غافل نباشیم و صرفاً به انجام آن بر اساس **پیشینه ذهنی** خودمان نپردازیم یا ادامه ندهیم، بلکه لازم است همیشه توجه و تمرکز ذهنی خودمان را برای، بهترین نحوه انجام آن کار در نظر بگیریم و از هر گونه خلاقیت و تغییر در انجام کار را جدی بگیریم و گر نه وقتی نخواهیم به بهترین و مقرون به صرفه ترین شکل به انجام کاری دست بزنیم، ناخواسته به بدترین نحو دست به کار خواهیم زد و انرژی و زمان بیشتری را صرف خواهیم کرد، در حالی که اگر از تفکر و خلاقیت خودمان کمک می گرفتیم دیگر لزومی نبود دست به کارهای زایدی بزنیم که هیچ اثری در بهبود کیفیت اصل انجام کار نداشته باشند. برای همین است که می توان گفت تفکر و خلاقیت این کمک را به ما می کند که اولاً کاری را به بهترین شکل ممکن انجام بدهیم و از نحوه انجام خیلی ها متفاوت دیده شویم و در ثانی **خلاقیت فکری باعث می شود از لحاظ زمان و انرژی و هزینه های متعدد صرف جویی کنیم** و علت کلی این صرفه جویی، هرس کردن کارهای زایدی است که ممکن است ناخواسته و ناآگاهانه انجام بدهیم و نکته جالبی که حالا به ذهن من آمد این است حل مساله به روش بینش یا روانشناسی گشتالتی مقرون به صرفه تر از حل مساله به روش کوشش و خطا است که توسط روانشناسان رفتار گرای کلاسیک پاولف و عاملی اسکینر استفاده می شود. و خلاقیت هم در اصل همان اثر روش حل مساله به روش بینش را دارد. در خلاقیت ما ممکن است وقت و انرژی بیشتری را برای اندیشیدن و **بارش فکری** به کار بگیریم و **رفتارهای مکانیکی** و زاید کمتری را انجام بدهیم که این عکس چیزی است که در روش حل مساله به صورت کوشش و خطا است که ما بیشتر به رفتارهای مکانیکی و زاید و تکراری اقدام می کنیم و کمترین بهره را از تفکر و خلاقیت استفاده می کنیم و چون انسان موجودی اندیشمند و خلاق است به نظر می رسد روش حل مساله به روش



بینش گشتالتی با انسان رابطه منطقی تری دارد تا روش کوشش و خطا، که بیشتر در مورد حیوانات صادق است. از این رو است که آثار خلاقیت در زندگی انسان ها با خلاقیتی که حیوانات بتوانند در حیات خودشان به وجود آورند، به هیچ عنوان قابل مقایسه نیست. و این ادعا باز می تواند تاییدی بر این باشد که خلاقیت، ریشه در ذهن و تفکر دارد که حیوانات از این توانایی محروم هستند و چون محروم هستند با محدودیت های خیلی بیشتری هم مواجه هستند.

🌸 ❤️ 🌸 آری یک آدم متفکر و اندیشمند و خردمند، آدمی گوشه گیر، منزوی، عزلت گزین، خلوت جو، سر به زیر و. خجالتی و کمرو به نظر می رسد چرا که ماهیت اندیشیدن می طلبد فرد اندیشمند در جایی که تنهایی، سکوت و آرامش حاکم است حضور داشته باشد، چرا که ذهن در محیط آشفته نمی تواند آرامش خود را حفظ کند و به تفکر قادر باشد. **محیط آشفته، ذهن را هم آشفته می سازد و ذهن آرام به محیط، آرامش می بخشد.** نمی دانم چرا آنهایی که پر حرفی می کنند، گستاخ تر و پرروتر از کسانی می شوند که به خرد و تفکر بیشتر اهمیت می دهند؟! انگار تفکر، آدمی را بیشتر به سکوت و صبوری و آرامش فرا می خواند تا که بی مهابا دست به واکنش نزنیم. مبادا که از کرده خودمان شرمنده و نادم شویم. آری فردی که می خواهد دست به خلاقیت بزند. چه بسا نیاز دارد در **تنهایی مفهومی** خود سیر کند و سکوت را فرصت و زبان اندیشیدن خود کند و با غرق شدن در سکوت. اجازه دهد ماهی و نهنگ های فکری نیز بر روی سطح اقیانوس ذهن بیایند و شناور شوند.



🕊️ ❤️ 🕊️ به نظر می رسد خلاقیت نه تنها خودش عاملی برای **تغییر آفرینی** است بلکه تغییرات حاکم بر روند جامعه جهانی، ما را وادار می کند تا که دست به خلاقیت بزنیم تا به بدین طریق نه تنها زمینه پیشرفت را فراهم کنیم بلکه از قافله پیشرفت و ترقی عقب نمانیم و همین که خلاقیت باعث می شود تا بتوانیم ما در زمینه پیشرفت، حرفی برای گفتن داشته باشیم و به نوعی قافله سالار شویم. و بی شک برای اینکه قادر به خلاقیت باشیم لازم است از لحاظ ذهنی و رفتاری دارای انعطاف پذیری باشیم، چزا که در نبود انعطاف پذیری ممکن نیست از آن شکل و وضعیت انجمادی که عادت وار به دست آورده ایم رها شویم و قادر به ساختن اشکال جدیدی از خلاقیت و پیشرفت باشیم.

انعطاف پذیری به ما کمک کند تا راه های جدیدی برای انجام عمل به دست آوریم که این کار نیز با بکارگیری خلاقیت فکری ما ممکن می شود، **ولی ارتجاع مثل کش می ماند که هر چقدر آن را هم بکشیم در نهایت باز به شکل اولیه و ثابت خود بر می گردد**، مثل خیلی از آدم ها با همه نیاز به تغییر و نوآوری، باز به راه های قبلی و قدیمی بر می گردند و از دست یافتن و از دست زدن به کشف و خلق راه های جدید انجام عمل، خودشان را منصرف می کنند از اینکه **خلاقیت جدید و شکستن عادت های قدیمی همراه با رنج و سختی است** برای همین بازگشتن به راه های تکراری و آشنای قبلی، راحت و قابل تحمل به نظر می رسد و از اینکه در وضع ثابت و راحت قدیمی خودشان باز می مانند، احساس بد و منفی را تجربه نمی کنند از اینکه توسط رنج خلاقیت و عادت های جدید به چالش کشیده نمی شوند.

🕊️ ❤️ 🕊️ **خلاقیت روندی و هدفی و رویکردی رو به آینده است** و این یعنی اگر ما خواهان زمان حال و آینده متفاوت و بهتری از گذشته داشته باشیم، بایستی رو به آینده



فکر کنیم و آنچه مربوط به گذشته است و به نوعی **انقضاء کارکردی** خود را از دست داده اند، رها کنیم و امروز و فردای بهتری را بسازیم. از آنجا که بر جهان، **رقابت عمومی** و **رقابت خصوصی** حاکم است، لذا **هر ملتی یا کسی در این مسابقه جهانی، گوی خلاقیت را در دست داشته باشد، بی شک پرچمدار و پیشرو سایر ملل و افراد خواهند شد**، همان طور که می بینیم امروزه هر کشوری که در زمینه های گوناگونی دست به خلاقیت و پیشرفت و نوآوری می شوند، نه تنها محصولات و دانش آن را به این راحتی و ارزانی در اختیار دیگران قرار نمی دهند، بلکه حتی اگر دانش و تکنولوژی خودشان را به سایر ممالک صادر کرده اند، علاوه بر اینکه پیشرو و پیشروی خودشان را حفظ می کنند بلکه سایر ملل را نیز به تکنولوژی و روند پیشرفت خودشان وابسته می کنند، به طوری که اگر خللی یا تحریمی از سوی ارایه کنندگان خدمات جهانی پیش آید، تاثیر منفی آنها به صورت عقبه بر ممالک وابسته اعمال می شود و **به نظر می رسد آنچه می تواند به استقلال نسبی ممالک یا حتی افراد کمک کند، استفاده از خلاقیت در عرصه های مختلف است** و با این کار نه تنها حرفی برای گفتن پیدا می کنند بلکه از آثار مادی و معنوی آن نیز برخوردار می شوند.

در پایان از تمامی دوستانی که در هفتمین تفسیر تصویر سال ۹۵، مشارکت و همراهی کردند، صمیمانه تشکر می کنم.





soheila

بافکر متفاوت از دیگران و تقلید نکردن از دیگران وجسارت در کار درصد موفقیت ما
بیشتر است

Sheida Sh

با سلام خدمت همه دوستان و عزیزان

نگاهی به تصویر نشان می دهد که چند نفر همزمان و از یک نقطه اقدام به انجام یک کار مشابه کرده اند. در همان نگاه اول مشخص می شود که اکثریت بدون هیچگونه فکر و حرکتی برای تغییر در ظاهر و شیوه انجام کار فقط با هدف تمام کردن کار به جلو حرکت می کنند. اما فقط تمام شدن کار مهم نیست اینکه یک کار چگونه و با چه سرعتی تمام شود مهم است به طوری که با کمترین هزینه ، وقت و تلاش بیشترین و بهترین عملکرد را از خود به جا بگذاریم. یکی از افراد که در اقلیت هم قرار دارد با یک تفاوت و تغییر کار خودش را پیگیری میکند و با ابزاری که در اختیار دارد و همچنین شناختی که از هدف و مسیرش دارد بسته خود را به همان تناسب تغییر می دهد و مشخص است که بهترین نتیجه را هم خواهد گرفت. با توجه به سطح اتکای بسته، وزن آن، نیروی مورد نیاز و ... ابتدعا با اندیشه و استفاده از علم آموخته خود شرایط را اندیشمندانه پیش می برد. یاد بگیریم که از اختیاراتمان در انجام کارها نهایت استفاده را ببریم و در مدیریت کارها با اختیارتی که داریم بهترین تغییرها را جهت سهولت کارها اعمال کنیم.

هر پدیده ای که برای پیشرفت و تعالی نیازمند فعل یدی و ذهنی انسانی باشد در تعریف واژه "کار" قرار می گیرد. لذا برای یک فعالیت یا حرکت که در اصطلاح به آن



مصدق کار می گوئیم علاوه بر استفاده از قوای بدنی و عملی نیازمند جهش های فکری و ذهنی هم هستیم. مدیریت عملکرد که به دنبال نیازسنجی و مطابقت شرایط محیطی و انسانی نمود پیدا می کند میتواند ما را در ارائه بهترین راهکار ها کمک کند. در اجرای بهینه و سلامت هر کار اولین ابهام و مانع که خودنمایی می کند بحث سختی در کار با همان **hard work** است ، بارها شنیده ایم و اکثریت اعتقاد داریم که هیچ کاری آسان نیست و هر کار متناسب با شرایطی که دارد سختی ها خاص خودش را نیز دارا خواهد بود پس این استفاده از قوه هوش و استعداد است که باعث سهولت انجام کارها می شود. بهره گیری از استعداد های ذاتی و اکتسابی که در وجودمان قرار دارد می تواند این امکان را فراهم آورد که با تغییرات در شیوه اجرای هر کار یا شرایط فیزیکی کار بتوانیم اجرای آن را با راحتی بیشتری در پیش بگیریم. کمی تغییر در هندسه خود کار یا هندسه اجرایی کار می تواند سایر شرایط محیطی و جغرافیایی را مرتفع در جهت بهترین عملکرد مرتفع سازد. همه اینها نیازمند تحلیل درست هندسه کار است که با یک شیوه تحلیل هندسی یارای ما خواهد بود البته این تحلیل هندسی نیازمند رفتار هوشمندانه و در چارچوب منطق و عقل است که آرایش ذهنی مناسبی را طلب می کند.

با سلام و درود خدمت شما دوست عزیز و سپاس و تشکر از بابت تفسیر خوب و عالی شما دوست ارجمند

🌟❤️🌟 با توجه به تصویر می توان چنین گفت اکثریت افراد جامعه، هیچ گاه از قدرت و ابزار خلاقیت خودشان استفاده نمی کنند و حتی اگر هم به کار گیرند آن قدر نیست که بتواند نمود اجتماعی (ملی و بین المللی) داشته باشد و **تنها اقلیت افراد جامعه هستند که خلاقیت خودشان را به کار می گیرند و محصولات فکری و عملی (مادی و**



معنوی) خودشان را به جامعه کوچک و بزرگ عرضه می دارند، برای همین است که شمار افراد مخترع، کاشف، کارآفرین، نویسنده، نقاش، و صدها زمینه که برای خلاقیت و هنرآفرینی انسان وجود دارد، در مقایسه با جمعیت کلی ملی و جهانی، کمتر است.

🙌 ❤️ 🙌 متأسفانه در سرزمین من درباره کار چنان فرهنگ ناخوشایندی وجود دارد که هیچ وقت این نگرش منفی به کار، به افراد اجازه نمی دهد هر کس بتواند در زمینه کاری خود خلاقانه رفتار کند، این نگرش منفی به کار وجود دارد که کار چیزی لذت بخش نیست و هیچ وقت نباید بیشتر از وظیفه خود نه تنها کار نکرد بلکه اگر شد حتی کمتر

از وظیفه خودمان کار کنیم و این یعنی هیچ وقت این فکر به ذهن ما اجازه خطور نمی دهیم که می توانیم با کمی کار بیشتر اما متفاوت و خلاقانه تر، می توانیم درخشش کاری و شخصی بیشتر و بهتری را به دست آوریم تا اینکه سال ها فقط به صورت مکانیکی در مدار کار تکراری و یکنواخت خودمان بچرخیم و هیچ تغییر و تحول ارزشمندی را به وجود نیاوریم. این نکته را باید قبول کنیم در مسابقه موفقیت در زندگی، اولویت برنده شدن با فردی است که با ابزار خلاقیت خود وارد میدان بازی موفقیت می شود، وگرنه فردی که همه نیروی خود را صرفاً برای کار دستی و فیزیکی متمرکز کند، هیچ گاه نمی تواند از فردی که با سر می دود، از آن پیشی بگیرد و به خط پایان **مسابقه موفقیت** برسد. منظور از این حرف، بی اعتبار جلوه دادن یا بی نیازی ما به کار دستی و فیزیکی نیست، چرا که **کار ذهنی و کار فیزیکی** به طور اجتناب ناپذیر و انکار نشدنی با هم ارتباط دارند و در هم تنیده شده اند، به طوری که اکتفاء کردن به یکی، نمی تواند به موفقیت کلی ما کمک کند و خلایی آسیب زننده را باقی می گذارد. با این وجود وقتی تصمیم به انجام کاری گرفتیم باید تا آخر ادامه بدهیم و آن را به کمال خود برسانیم به



قول معروف " کار را که کرد، آنکه تمام کرد " لذا نباید کاری را انتخاب کردیم، ناقص و نیمه تمام رها کنیم. در غیر این صورت آن وجه پرننگی که بایستی به دست می آمد محقق نمی شود، مثل خیلی از افراد که در زمینه کشف و اختراع و خلاقیت فعالیت کرده اند ولی چون نتوانسته اند کار خودشان را با موفقیت کامل به پایان برسانند، باعث شده است تا افرادی که بعدها کار ناتمام این افراد را تمام کرده اند، به جای آنها بدرخشند و آوازه بگیرند.

🙌❤️🙌 **خلاقیت به دنبال تغییر آفرینی است، یعنی گاه مسایل حل نمی شوند فقط به این خاطر که به آنها دید و نگرش ثابت داریم، ولی وقتی تغییری را به وجود می آوریم، هر چند کوچک، باعث می شود نه تنها ساختار مساله تغییر کند بلکه حل کردن آن مساله نیز با تغییر موجود، ممکن می شود، چرا که هم از نظر ذهنی برای حل مساله روشن می شویم و هم اینکه حل مساله را در عمل هم ممکن می بینیم. درواقع قبل از اینکه در عمل، بتوانیم مساله را حل کنیم، در ابتدا در ذهن خودمان مساله را حل می کنیم (حل ذهنی) آن گاه دست به حل عملی مساله می زنیم، چرا که اگر در وهله اول در ذهنمان هیچ بینشی به حل مساله نداشته باشیم (ابهام فکری)، بی شک دچار ابهام در عمل می شویم، یعنی واقعاً نمی دانیم باید چه کار کنیم یا چگونه روند و فرآیندی را در پیش بگیریم تا مساله را حل کنیم و چون با کبود دانایی و بینش مواجه می شویم، دست به دامان کوشش و خطا می زنیم، تا شاید به طور تصادفی به حل مساله واقف شویم.**

🙌❤️🙌 **رفتار خلاقانه ما تحت تاثیر عوامل متعددی می تواند باشد مثل علم قبلی، تجربه، تفکر و اندیشه، همفکری با دیگران و مطالعه کتاب و آشنایی با جریان ظهور خلاقیت های قبلی تا اکنون، مثلاً لئوناردو داوینچی با نقاشی های که کشیده بود باعث**



شد تا بعدها بر اساس آن نقاشی ها، اختراعاتی از جمله ابزارهای نظامی صورت بگیرد، درواقع داوینچی با خلاقیت فکری خود، دست به **اختراع ذهنی** آن دست زده بود که بعدها به **اختراع عملی** تبدیل شدند از مهمترین خلاقیت داوینچی، شاهکار معروف خود یعنی تابلوی " مونالیزا " یا " لبخند ژوکوند است ، یا مثلاً **ژول ورن** با نوشتن کتاب های علمی تخیلی خود، راه برای اختراعات نسل بعدی گشود مثل کتاب علمی تخیلی ژول ورن با عنوان سفر به کره ماه. آری ژول ورن نویسنده و آینده نگر فرانسوی بود که کتاب های زیادی با مضمون علمی و تخیلی نوشت. او هنگامی از سفر به هوا و فضا و زیر دریا در داستان های خود سخن گفت که هنوز بشر نتوانسته بود وسایل و امکانات چنین سفرهایی را فراهم کند. آری خلاقیت فکری همین است، بیابید هیچ وقت توانایی و معجزه خلاقیت خودمان را دست کم نگیریم.

🙌 ❤️ 🙌 **کار جوهره مرد است.** در مورد آثار مثبت کار، سخنان فراوانی ذکر شده است و **یک فرد خلاق و خلاقیت جو، انسانی علاقمند به کار است**، چرا که کار لازمه خلاقیت است و یک فرد هیچ وقت بی نیاز از کار کردن نمی شود بلکه همیشه کارهای متفاوتی انجام می دهد نه اینکه فرد خلاق اهل کار و تلاش نباشد یا خود را از کار بی نیاز ببیند. خلاقیت می تواند زمینه ها و نمود گوناگونی داشته باشد حتی خلاقیت خیلی ها، خلاقیت های بدنی است یعنی فرد با جسم خود دست به خلاقیت می زند مثل افرادی که به ورزش ژیمناستیک و... می پردازند یا حرکات آکروباتیک انجام می دهند، لذا خلاقیت فکری بخشی از خلاقیت کلی انسان است ولی خلاقیت فکری ما در تمامی خلاقیت های عینی و عملی و جسمی نیز دخیل است. ما آدمی برای اینکه کار سختی را آسان کنیم،



نیازمند سخت کوشی و تمرین مداوم هستیم و این چنین با عادت کردن بر کار سخت، دیگر سخت بودن آن کار بی معنی می شود.

🕊️ ❤️ 🕊️ اما یکی از نکات خوبی که از تفسیر شما دوست عزیز یاد گرفتم یا دقیق تر بگویم نظرم را برای تفکر عمیق تر جلب کرد، کلمه هندسه بود، و این گونه تفکری در ذهن من شکل گرفت که **تغییر ساختار و هندسه بیرونی یا محیطی، نیازمند تغییر در ساختار و هندسه ذهنی و فکری ماست**، با توجه به تصویر چنین می توان گفت که فرد خلاق قبل از اینکه موفق به **هندسه عملی** خود بزند آن را در ذهن خود مجسم و شکل داده است و بعد از اینکه به کارایی **هندسه ذهنی** خود باور پیدا کرده است آن را تبدیل به هندسه عملی کرده است، در واقع فرد خلاق بعد از اینکه همه چیز را در ذهن خود مورد ارزیابی قرار داده است و به **نقشه ذهنی** خود ایمان پیدا کرده است، دست به کار شده است و آنچه را که در ذهن خود داشته است، **نمود عینی** داده است، چرا اگر فرد به خود فرصت و اجازه اندیشیدن نمی داد و مدل و هندسه ذهنی خود را بازآفرینی نمی کرد، نمی توانست هندسه عملی موفقیت آمیزی را به نمایش بگذارد، شاید بد نباشد به این مصرع معروف اشاره کنم که **" معما چون حل شود آسان گردد "** یعنی فرد خلاق وقتی در ذهن خود مساله را حل کرده باشد. انجام آن در عمل به آسانی صورت می پذیرد. از نگاهی دیگر به واژه هندسه می توان گفت تمامی اشکال هندسی برای خودشان کارایی و جایگاهی دارند که شکل هندسی دیگری نمی تواند آن نقش را به خوبی ایفا کند و این کار به این معنی است که گاهی برای حل برخی مسایل محیطی یا حتی ذهنی، نیاز داریم اشکال هندسی ذهنی و محیطی خودمان را دستکاری کنیم و تغییر بدهیم تا بتواند در وضعیت و موقعیت جدید مثمر ثمر واقع شوند.



Delnia Ra



در تصویر دو ویژگی خلاقیت و انعطاف, بیشترین نمود را دارد

در دنیای امروزی، تغییرات با سرعتی وصف ناپذیر در همه ی عرصه ها در جریان است و افراد ناگزیر به دو دسته تقسیم می شوند :

✓ افرادی که خود سازنده و مبدع تغییرات اند(دارندگان خلاقیت و انعطاف)

✓ افرادی که برای عقب نماندن از قافله ی تغییرات با آن همراهی می کنند(دارندگان انعطاف)

نکته ی مهم این است که اگر در مسابقه ای دو گروه نامبرده ی بالا , به مصاف هم بروند گروهی که از خلاقیت و انعطاف ، توأمان با هم برخوردارند گوی سبقت را از سایرین گرفته و پیشتاز این عرصه می گردند . بنابراین لزوما سخت انجام دادن کارها به منزله ی درست یا ارزشمند بودن آنها نیست, اگر ملاک ارزش گذاری کارها فقط سخت بودن آنها بود, کارگران معدن می بایست حداقل از نظر مادی در رفاهی نسبی به سر می بردند اما عملا آنها به خدمت کسانی گرفته می شوند که دانش و علم معدن را دارند و در کنار این علم, نحوه ی عملکرد کارگران معدن را تعیین می کنند , در دنیای کنونی نیز کسانی که



علم شناسایی معدن خاص خود را دارند می توانند دیگران را جذب کرده و به خدمت گمارند؛ ناگفته نماند که داشتن دانش تضمین کننده ی خلاقیت نیست اما همراهی دانش و خلاقیت با هم، نتیجه ای متفاوت و مبتکرانه به بار می آورد و آنچه مسلم است این است که دنیا بیش از اینکه به انسان هایی که فقط به دانش پیشینیان تکیه کرده اند نیاز داشته باشد، به انسان های اندیشمند خلاق و باانعطاف نیاز دارد؛ چون تنها این گروه هستند که با نوآوری شان چیزی به دنیا اضافه می کنند حتی اگر این نوآوری، شیوه ی نوینی برای انجام یک کار باشد.

انعطاف و ارتجاع دو روی یک سکه اند که اجتماع آنها محال است، انسان های منعطف از تغییر و پیشرفت روی گردان نیستند و از این رو می توانند خلاقانه نیز عمل کنند اما انسانهای مرتجع، پیوسته بر مواضع سابق در انجام کارها پافشاری می کنند. اگر چه خلاقیت ابتدا باید در ذهن اتفاق بیفتد اما تا در عمل به نمایش در نیاید، در دنیای واقعی فاقد اعتبار است و کم نبوده اند ایده های خلاقانه ای که بدون اینکه فرصت تبلور بیابند، خاموش و فراموش گشته اند. کسانی که از خلاقیت دیگران استقبال می کنند دارای انعطاف هستند و با همین ویژگی خود می توانند از دل خلاقیت دیگران، خلاقیت خاص خود را اعمال کنند چون اصل خلاقیت؛ اصلی زایا و پویاست.

با دیدن این تصویر به یاد سخن زیبای بیل گیتس افتادم که گفت: "کارهای سخت را به انسانهای تنبل بسپار که آسان ترین روش را برای انجام آن خواهند یافت" با استناد به سخن چنین انسان مجربی می توان گفت که نه سخت کار کردن نشانه ی هوشمندی است و نه تنبلی دال بر کند ذهنی. البته این یک اصل لایتغیر نیست چون کم نبوده و

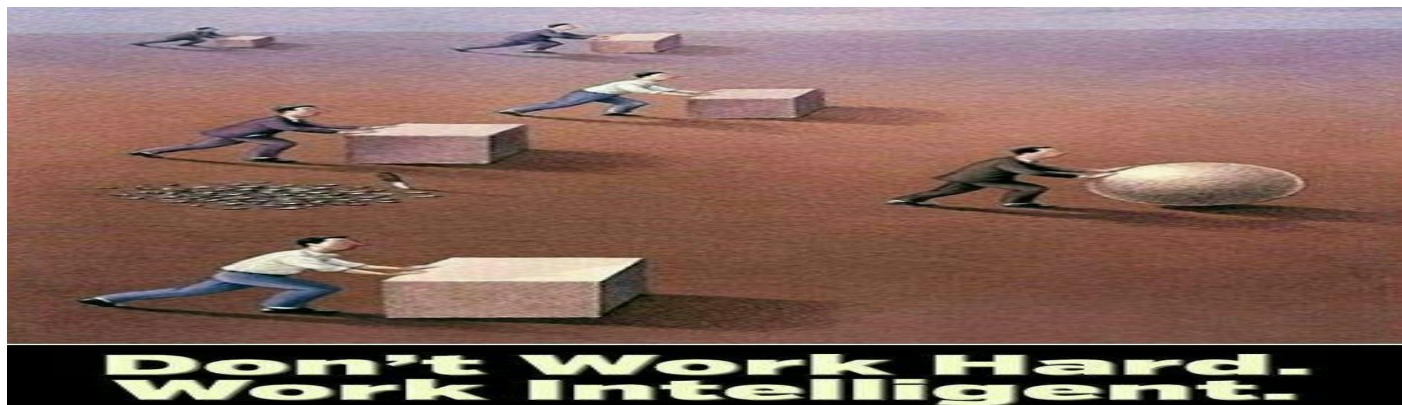


نیستند انسانهای سخت کوشی که در نهایت با این روحیه ی تسلیم ناپذیری شان، راه مخصوص به خود را یافته و به روش خود ایفای نقش کرده اند.

خلاق بودن نیز مثل سایر مهارتهای زندگی ، به تمرین و ممارست نیاز دارد و در صورتی که با روح فرد عجین گردد، تداوم و تقویت آن حتمی خواهد بود. نکته ی حایز اهمیت در انجام کارها با طرق مختلف، این است که شاید نتیجه ی همه ی آنها یکی باشد اما مهمترین قسمت ماجرا این است که به چه بهایی؟! و این بها را همان چگونگی انجام آن ، تعیین می کند؛ انتخاب مناسب ترین روش برای انجام کارها ، با سرعت بیشتر و زمان کمتر بدون افت کیفیت نتیجه، نیاز دنیای پرشتاب امروز ماست

✓ گاهی خود این چگونگی کار خدمتی می شود به کل بشریت.

پس قوه ی خلاقیت و نوآوری خودمان را باور کنیم و ما هم برای بهبود زندگی خود و دیگران گامی هر چند کوچک برداریم . ذهن هر انسانی بنابه شرایط و به اقتضای زمان و مکان، محل عبور و مرور ایده های فراوانی است و هنر اینجاست که در این ازدحام، ایده های ناب را شکار کنیم و تا به بار نشاندنشان از پا ننشینیم . رمز موفقیت ایده های خلاقانه ی بسیاری از شاعران، نویسندگان، سرمایه گذاران، پزشکان، معلمان و... همین تشخیص درست بوده است که چه خلاقیتی را و برای چه زمان و مکانی بکار ببندند، شاید در اوایل کار همانطور که در تصویر هم پیداست کسی از این خلاقیت استقبال نکند اما پایان کار است که مهر تایید را بر حقانیت روش انجام ما خواهد زد پس تا رسیدن به نتیجه ی دلخواه ، ایمان و اراده ی خود را حفظ کنیم و این حداقل کاری است که برای احترام به ایده ی نوی خود ، می توانیم انجام بدهیم. ❀



محمد نظری کند شمین

کارشناس ارشد روانشناسی

کارشناس امور بهزیستی

۰۹۱۴۳۵۴۲۳۲۸

<http://nazaribest.samenblog.com/>

<https://telegram.me/successmotivathion>

nazaribest@yahoo.com

<http://ketabesabz.com/authors/1505>

۱۳۹۵/۵/۲۲